

# آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۲۴ آبان ۱۳۹۵

## همایش یکصد و دهمین سالروز تولد ژنرال غلام یحیی دانشیان



روز ۲۱ مهر ماه (۱۲ اکتبر ۲۰۱۶) از طرف جمعیت مهاجرین ایرانی مقیم آذربایجان، همایشی به مناسبت یکصد و دهمین سالروز تولد ژنرال غلام یحیی دانشیان در سالن مرکزی بین المللی مطبوعات جمهوری آذربایجان برگزار شد. این همایش با حضور برخی از نمایندگان سازمان های سیاسی و اجتماعی، خانواده های دانشیان و ابراهیمی برگزار شد. تعدادی از رسانه های گروهی نیز این همایش را پوشش خبری می دادند.

در ابتدا سرودی که از ایران توسط یکی از فداییان فرقه دمکرات آذربایجان ارسال شده بود پخش شد. در این سرود به شیوه بسیار زیبایی شجاعت، از جان گذشتگی و از ادیخواهی غلام یحیی مورد ستایش قرار گرفته بود. این سرود به شدت مورد تشویق حاضرین قرار گرفت. پس از آن فیلم مستند کوتاهی از تلاش غلام یحیی برای حفظ و پیشرفت حکومت ملی آذربایجان نشان داده شد.

ادامه درص ۲

## دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا شد



دونالد ترامپ مرد جنجالی که از طرف جمهوری خواهان آمریکا کاندید شده بود، در میان نا باوری تحلیلگران سیاسی، با شکست هیلاری کلینتون کاندید دمکرات ها بعنوان چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا انتخاب شد.

ادامه درص ۴

نگاهی گذرا به زندگی پرافتخار ص ۵

اصلاح قانون تعاون ص ۷

لیبی پنج سال پس از معمر قذافی ص ۸

به یاد رفیق صفر قهرمانی ص ۱۰

بهار عربی به رشد اقتصادی خاورمیانه ص ۱۲

توران میرهادی ص ۱۳

جنگ موصل، جنگی برای ص ۱۳

زیرپوست شهر ص ۱۵

تاریخ امید شعر ص ۱۶

## تشکیل فراکسیون مناطق ترک نشین

### در مجلس شورای اسلامی و چالش های آن

فراکسیون نمایندگان مناطق ترک نشین مجلس با حضور ۱۰۰ نماینده تاسیس شد. نگاه دولت، مجلس و رسانه های جمهوری اسلامی به این اقدام نمایندگان منفی نبود. رای دهندگان مناطق ترک نشین از تاسیس این فراکسیون تا حدودی استقبال کردند. گفته شده است این فراکسیون بعد از هفته ها تبادل نظر و رایزنی نمایندگان در ۹ آبان ۱۳۹۵ تشکیل شد.

مسعود پزشکیان نایب رئیس مجلس ایران به عنوان رئیس این فراکسیون انتخاب گردید. نادر قاضی پور، نماینده ارومیه به همراه رضا کریمی نماینده اردبیل به عنوان نایب رئیس اول و دوم انتخاب شدند. زهرا ساعی نماینده تبریز، آذرشهر و اسکو نیز به عنوان سخنگوی این فراکسیون برگزیده شد.

در ترکیب این فراکسیون از تمامی جناح های حاضر در مجلس از اصلاح طلبان گرفته تا اصول گرایان حضور دارند.

خبرگزاری ایسنا به نقل از زهرا ساعی سخنگوی فراکسیون مناطق ترک نشین نوشته است که هدف این فراکسیون "استفاده از ظرفیت نمایندگان برای رفع مشکلات مناطق ترک نشین" است.

ادامه درص ۲

## در ۹۹ سالگی انقلاب سوسیالیستی اکتبر



ایده های انقلاب اکتبر تنها ثروت و دارایی روسیه نیست بلکه به همه بشریت تعلق دارد اندیشه انقلاب اکتبر تحت لوای مارکسیسم نشوونمایافت، زیر پرچم لنینیسم تدارک دیده شد و تحت لوای مارکسیسم-لنینیسم به پیروزی رسید.

ادامه درص ۳

**جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!**

## همایش یکصد....

جمعیت هلال احمر جمهوری آذربایجان نیز ضمن تقدیر از فعالیت انسانی غلام یحیی در سالهای مهاجرت، دیپلم افتخار به خانواده او تقدیم کرد. از طرف مجله دنیای آذربایجان و تشکیلات دده قورقود مدال افتخار به خانواده غلام یحیی اهداء گردید. این مدال بالاترین نشانی است که این جمعیت فرهنگی به اشخاص اهداء می کند. در عین حال این جمعیت نشان افتخار خود را به دکتر عادلہ همرمزم پیشه وری و غلام یحیی اهداء کرد. در خاتمه اعلام شد که برای بزرگداشت غلام یحیی از کشورهای مختلف از جمله سوید، آلمان، هلند و ... پیام هایی رسیده است.

پس از آن پیام حزب توده ایران به مناسبت سالروز تولد غلام یحیی توسط رفیق محمد قرائت شد. و رفیق شیرینی نیز به نمایندگی از طرف تعدادی از فدائیان اکثریت پیامی به اطلاع حاضرین رساند.

در خاتمه نیز حاضرین برای ادای احترام به غلام یحیی و سید جعفر پیشه وری به به گورستان مشاهیر آذربایجان رفتند و با نثار گل خاطره آن ها گرامی داشتند.

دکتر عادلہ عضو هیئت اجرائیه جمعیت مهاجرین، از سخت کوشی و اعتقادات راسخ غلام یحیی در راه رسیدن به آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق ملی سخن گفت. وی اشاره کرد: او از نو جوانی مبارزه را شروع کرد. بسیار مورد اذیت و آزار ژاندارم ها و دار و دسته خوانین قرار گرفت. او را چندین بار به زندان انداختند و حتی یک بار توسط ایادی خوانین زنده بگورش کردند که بطور معجزه آسایی نجات پیدا کرد. با این همه در اعتقادات او هیچ خللی وارد نشد و تا آخر عمر برای دمکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه کرد. و ...

پس از سخنان چند تن از حضار در مورد غلام یحیی، صدر جمعیت مهاجرین ایرانی اعلام کرد به پاس خدمات ارزنده ژنرال غلام یحیی برای مهاجرین، از طرف جمعیت لوح تقدیری به خانواده ایشان تقدیم می شود. دکتر عادلہ به نمایندگی از طرف جمعیت این لوح را به بهرام دانشیان فرزند بزرگ غلام یحیی تقدیم کرد. حاضرین این سپاسگزاری را مورد تشویق شدید قرار دادند.

## تشکیل فراکسیون...

فراکسیون یک وسیله‌ی قانونی در اختیار ملیت‌ها قرار می‌دهد تا خواسته‌های خود را "نه فقط با سرو صدای و تظاهرات بلکه از طریق نفوذ در مراکز قانونی و پیگیری‌های قانونی به عرصه برساند.

فراکسیون مناطق ترک‌نشین می‌تواند در تقویت حس ملی و خودباوری آذربایجانی‌ها کمک بکند البته به شرط اینکه این یک حرکت زودگذر مبتنی بر تحریک احساسات مردم حوزه های انتخابیه در هنگام انتخابات برای داغ کردن تنور انتخابات نباشد.

اما باید به چند نکته توجه کرد:

- به طور حتم اینها نمایندگان واقعی مردم مناطق ترک نشین نیستند. زیرا سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی دمکراتیک نیست و همه آنها از صافی شورای نگهبان گذشته اند و از یک انتخابات مهندسی شده بیرون آمده اند. - اعضای فراکسیون دارای یک بینش سیاسی نیستند و با توجه به گرایش های جناحی، مسائل اجتماعی و از آن جمله حقوق اقوام را از زاویه دید منافع جناحی خود می بینند. بنا براین نمی توان انتظار شگفت‌انگیزی از این نمایندگان داشت.

- در بهترین حالت این فراکسیون می‌تواند مقدمه‌ای باشد تا زمینه را برای یک بحث گفت‌وگوی دمکراتیک باز کند. مشروط بر آنکه این ظرفیت را داشته باشند، تا با صاحب نظران، کارشناسان و محققین حقوق خلق ها تعامل بر قرار کنند.

تشکیل این فراکسیون، از همان ابتدا مخالفان و موافقان به همراه داشت. موافقان آن را بزرگترین رویداد در سرنوشت اقوام توصیف می‌کنند و امیدوارند که فراکسیون بتواند مطالبات اقوام را پیگیری کند. در رابطه با تدریس زبان ترکی و اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی تلاش کند و گام های عملی در جهت حمایت از حقوق اقوام بردارد.

اما مخالفان آن را خلاف قانون و مغایر با وحدت ملت می دانند. در این رابطه نماینده مردم بندرعباس در مجلس شورای اسلامی در خطاری با استناد به سه اصل قانون اساسی، اعلام کرد:

بنابر اصل ۱۹ قانون اساسی ملت ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و بنابر اصل ۲۰ همه افراد ملت اعم از زن و مرد به‌طور یکسان از حمایت قانون برخوردار هستند و همچنین بنابر اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده در برابر تمام آحاد ملت مسئولیت دارد. مجلس صدای ملت است و باید منادی وحدت و کثرت‌گرایی باشد و اگر این روند ادامه یابد دیر یا زود باید منتظر تقسیم‌بندی‌های بعدی در سایر اقوام باشیم و این مسئله می‌تواند منجر به اختلاف در سطح کشور شود.

با این وجود باید منتظر عملکرد فراکسیون جدید بود که تاچه حد "صادقانه با فعالان آذربایجانی تعامل می‌کند و به دنبال مطالبه و خواست‌های مناطق ترک‌نشین است؟

جایگزین سوسیالیسم گردید. بی اعتباری سرمایه داری و بالاترین مرحله امپریالیستی آن با تجاوز آشکار به حقوق خلقها بیشتر شد. رهائی از دیکتاتوری سرمایه، استقلال ملی، حق تعیین سرنوشت خلقها، صلح و امنیت، دفاع از حقوق بشر، مبارزه با فاشیسم و تجاوزگری امپریالیسم، بالطبع در نبود سیستم جهانی سوسیالیستی به مراتب برای نیروی استقلال طلب، آزادی خواه، مترقی و بویژه کمونیستها دشوار تر گردیده.

ایدئولوگ های بورژوازی نظریه پردازان راست و رفرمیست های طرفدار سرمایه داری و محافل امپریالیستی هار ترگشته و از همه نوع اندیشه نفی گرا استفاده می کنند تا خطوط کلی جنبش کمونیستی یعنی دستاورد های انقلاب سوسیالیستی اکتبر را زیرسؤال قرار دهند. ساختار کهنه سرمایه داری با همه تکنولوژی فرا صنعتی بدون هرگونه نوآوری اجتماعی همچنان بربریت در قرن بیست یکم را ادامه می دهد. ضد کمونیست های آشکار و پنهان، شرمنده و ازده با چهره دمکرات مابانه با افترا و اتهام به سوسیالیسم واقعی با شکل و شیوه های رنگارنگ ضمن قبول عوامفریبانه نقاط مثبت سوسیالیسم و کاربرد عملی آن می کوشند چهره سرمایه داری را در عمل زیبا جلوه دهند و به آن صفت "متحد خلق"، "دمکرات" و "و حتی اعتبار سوسیالیستی اعطاء کنند. آنها از یک "سوسیالیسم التقاطی" سخن می گویند و برای "نظریه همگرایی" "دوسیستم سوسیالیستی و سرمایه داری و انواع تئوری های قلابی دیگر تبلیغات می کنند. مبلغین ضد اکتبر با عناوین تخریبی انتقادی به "سوسیالیسم روسی" بانام "سوسیال دمکرات" حتی یک خط فکری نوین فرا تر از انقلاب اکتبر در قرن بیست یکم ارائه نداده اند و در همان حلقه سوسیال بورژوازی شناوراند. ضد کمونیست ها انقلاب اکتبر را "کودتای آرمانگرایان" می نامند و همچنان در محافل پژوهشی ایالات متحده آمریکا و دیگرکشورها قلم فرسایی می کنند اما در واقعیت عینی تضادهای درونی و قانونمند نظام سرمایه داری درمرحله امپریالیسم را آگانه نا دیده می گیرند. این تضادها نه با پیدایش اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم به وجود آمد و نه با سقوط حاکمیت شوروی می توان آنها از میان برداشت. از وقوع تاریخی انقلاب اکتبر تا به امروز ده هاجزب و سازمان های کارگری جنبش رهائی بخش ملی و کمونیستی بوجودآمد کشورهای با تغییرات بنیادین جامعه با انتخاب راه استقلال ملی، دوری ازستم طبقاتی با لغومالکیت خصوصی به ابزار تولید به راه رشد نوین سوسیالیستی با ویژگی های کشور خود گام برداشته چون، کوبا، چین، کره شمالی، ویتنام،...پیش می روند.

لنین می گوید.....مالین کار را شروع کرده ایم اینکه چه موقع، وطی چه مدتی، پرولتاریای کدام ملت، این امر را

پیروزی انقلاب اکتبر پیروزی سوسیالیسم علمی برجهان بینی بورژوائی و سوسیالیسم خرده بورژوائی است پیروزی لنینیسم برانواع انحرافات چپ و راست در نهضت کارگری و غلبه قطعی مارکسیسم - لنینیسم به مثابه یگانه تئوری انقلابی پرولتاریا می باشد نمی توان تنها در چهارچوب ملی در روسیه آن را در نظر گرفت.

انقلاب اکتبر پیش از همه انقلاب انترناسیونالیستی و نظم جهانی است. زیرا به معنای چرخشی بنیادی در تاریخ بشریت از جهان کهنه سرمایه داری به جهان نوین سوسیالیستی است. بهترین طریق برگزاری جشن انقلاب اکتبر مطالعه و تعمق بیشترمبانی تئوریک و پراتیک انقلابی است. آموزش درسهای تاریخی استفاده از تجارب ذیقیمت و نمونه های برجسته آن برای پژوهشگران آزادی خواه و مبارزین راه حق و عدالت اجتماعی گنجینه ائی است پر بها.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر ثمره مبارزه ایست که طی مدتی طولانی توسط مردم روسیه به رهبری حزب لنینی علیه ستمگری تزاریسیم به پیروزی رسید. افکار عمومی روسیه در شرایط دیکتاتوری تزاریسیم که در توحش نظیر نداشت در جستجوی یک تئوری انقلابی و صحیح بود تا بتواند به جنبش خود ادامه دهد. لنین می گوید:

برای روسیه تاریخ بدست آوردن مارکسیسم بعنوان یگانه تئوری صحیح انقلابی، واقعا سیرمصائب بود. بدین معنی که آنرا به بهای نیم قرن شکنجه و قربانیهای بی سابقه، قهرمانی های بی نظیر، با انرژی انقلابی تصورناپذیر، تخصص فداکارانه، علم آموزی، آزمایش در عمل، دلسردی و ناامیدی، واری و مقایسه با تجربه اروپا تحصیل نمود. در نتیجه مهاجرتها اجباری که تزاریسیم موجب آن بود، روسیه انقلابی در نیمه دوم قرن نوزدهم از لحاظ روابط بین المللی چنان غنی بود و از شکلهای جنبش انقلابی در سراسرجهان چنان اطلاعات شگرفی داشت که هیچیک ازکشورهای جهان بپای وی نمی رسید. (آثار منتخب لنین بزبان فارسی جلد دوم قسمت دوم صفحات ۴۱۴-۴۲۰)

انقلاب سوسیالیستی درکشوری با توجه به سطح متوسط سرمایه داری پیروزگردید. انقلاب اکتبر درکشوری پیروز شد که هنوز بقایای مناسبات فئودالی در آن حفظ شده بود و درنواحی آسیائی آن خلقهائی بودند که درشرایط مستعمره و نیمه مستعمره بسر می بردند و در آن نواحی ای وجود داشت که هنوز مناسبات قبیله ای در آن حکمفرما بود.

بلشویکها توانستند با تحلیل دقیق از شرایط داخلی و جهانی امکانات راه رسیدن به ساختمان سوسیالیسم را درکشور پهناوری که مناسبات تولیدی متفاوتی داشت به سرانجام برسانند.

امروزه با عقب نشینی و فروپاشی شوروی تعادل جهانی در مقطعی به سود امپریالیسم تغیر یافت، بربریت

## در ۹۹ سالگی انقلاب....

به سر انجام خواهند رساند مسئله اساسی نیست....مسئله اساسی آن است که یخ ها آب گردید به حرکت درآمد جاده بازو راه نشان داده شد (نقل از بحثی اولیه علل و عوامل فروپاشی شوروی اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران ص ۴۳ و ۴۴،

فروریزی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپا را نمی‌توان کم‌اهمیت دانست. با وجود این، درست در همین لحظه، در نقاط گوناگون جهان، راه‌های گوناگون گذار به مرحله سوسیالیستی آزموده می‌شود. مهم تر آنکه، به رغم تبلیغات عظیم و کرکننده رسانه‌ها و برهان‌های شبه روشنفکران درباره پایان ناکام سوسیالیسم و مارکسیسم، در همه‌جای جهان مردم جویای جایگزینی برای هرج و مرج خطرناک کنونی نظام سرمایه‌داری‌اند. البته ممکن است همه مردم هنوز تصور روشنی از آن جامعه نوین نداشته باشند و هنوز آن را سوسیالیسم نامند، و این بدان علت است که در بسیاری از نقاط دنیا، جامعه‌های مختلف هنوز از مرحله‌های میانی پیش از سوسیالیسم باید گذر کنند. اما این امر تغییری در این واقعیت عینی نمی‌دهد که راه خروج از سرمایه‌داری، فقط می‌تواند به سوسیالیسم منتهی شود؛ و اینجاست که حضور ما کمونیست‌ها، و پیکار انقلابی‌مان، نقشی کلیدی، بی‌همتا، و جایگزین‌ناپذیر پیدا می‌کند. (دیدگاه حزب توده ایران نامه مردم، ۰۲ اردیبهشت ۱۳۹۲)

گنادی زوگانف صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه در مصاحبه اخیر خود به مناسبت ۹۹ سالگی انقلاب کبیرا کتیر می‌گوید: در سال ۲۰۱۷، کمونیست‌ها و همه نیروهای مترقی جهان، ۱۰۰ سالگی انقلاب اکتبر را جشن خواهند گرفت. این رویداد به نقطه عطف تکامل بشریت بدل گردید آغازگر گذار از سرمایه‌داری به فرماسیون اقتصادی - اجتماعی پیشرفته‌تری شد زوگانف ادامه می‌دهد و می‌گوید:

در کشور ما، جدایی میان دیدگاه‌ها نسبت به گذشته شوروی، در دو راستا امتداد یافت، راستای خلقی و راستای نخبگان غرب‌گرا. این نخبگان، اتفاقاً همان کسانی هستند که در افترا و سیاه‌نمایی درخشان‌ترین دوره تاریخ گذشته ما، چیزی فرونگذاشته‌اند. در روسیه کنونی، آوازه گران پرشماری به جعل تاریخ شوروی پرداخته‌اند. و با دریغ بسیار محافل لیبرالیستی، مواضع کلیدی خود را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - رسانه‌ای حفظ کرده‌اند. آنان به تحریک کارزار افسارگسیخته ضد شوروی مشغول هستند. با این خیال خام که شخصیت‌های برجسته‌ای چون لنین و استالین را از منزلت تاریخی خود بیاندازند. آنان حتی پیروزی بزرگ ما بر فاشیسم و خاطره مقدس جنگ کبیر میهنی را هم مورد سو قصد خود قرار می‌دهند.

واقعیت نشان داد نظام سرمایه داری در عین انقلاب علمی و فنی معاصر با برخورداری از فن آوری های نوین علی رغم انواع مانورها قادر به حل نیازهای حاد تاریخ بشری نیست. به بیان رفیق اندیشمند زنده یاد احسان طبری:

"نبرد عظیم خلقها برای دمکراسی سیاسی و اقتصادی، علیه ستم و امتیاز و حرمان سیاسی و اقتصادی، برضد استثمار و سیطره نژادی و جنسی این نبرد در همه جا چندان ادامه خواهد یافت تا نظامی دمکراتیک که در آن رهائی و اعتلا اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فرد و جامعه و حاکمیت واقعی و مبتکرانه خلق تامین شده باشد پدید آید"

بنابراین نیروهای پیشرو در همبستگی با دیگر نیروهای مترقی چاره ائی جز مهار تجاوزکارانه سرمایه داری به حقوق کارگران و روشنفکران و دیگر زحمتکشان یدی و فکری ندارند در نشستهای احزاب کارگری و کمونیستی ۳۰ اکتبر ۲۰۱۵ در استانبول ترکیه و هم اکنون در ۳۰ اکتبر ۲۰۱۶ هجدهم نشست درهانوی ویتنام با تذکر دائمی یاد آورمی شوند که دیگر نمی توان و نباید بربریت سرمایه داری را تحمل کرد.

م. چابکی ۹ آبان ۱۳۹۵ برابر با ۳۰/۱۰/۲۰۱۶

## دونالد ترامپ...

درباره سیاست خارجی هم گفت که با هر کشوری که با آمریکا کنار بیاید کنار خواهد آمد. او هیچ یک از مواضع جنجالی گذشته خود را تکرار نکرد.

دونالد ترامپ پیشتر نزدیکی به روسیه، مهار چین، حل مسئله داعش و تجدید نظر بر سر توافق هسته ای 1+5 با ایران را بعنوان بخشی از برنامه سیاست خارجی دولتش اعلام کرده بود.

بعد از اعلام نتایج انتخابات امریکا تحلیل‌های مختلفی برای پیروزی دونالد ترامپ عرضه شد. گروهی او را

او در مقام رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده نطق پیروزی خود را ایراد کرد. وی گفت که رئیس جمهوری همه آمریکا خواهد بود حتی آنهایی که به او رای نداده اند. او همچنین وعده داد که رشد اقتصادی آمریکا را دو برابر می‌کند و اقتصاد آمریکا را بهترین اقتصاد دنیا خواهد کرد.

ترامپ کمپین شکل گرفته حول محور خود را یک «جنبش» دانست که خواستار آینده‌ای درخشان هستند.

## دونالد ترامپ...

او تلاش کرد چهره ای متفاوت از سیاست مداران سنتی پیشین اعم از دمکرات و جمهوریخواه از خود نشان دهد. و روی آرای تمام کسانی که از وضعیت موجود نا راضی هستند حساب باز کرد. ترامپ همچنین روی امریکایی‌های سفید پوست محافظه‌کار که معمولاً غیرسیاسی اند، حساب می‌کرد و با طرح بحث‌هایی که مورد نگرانی آنها بود، آنها را به صحنه آورد. موضوعاتی مانند ضرورت مقابله با مهاجران خارجی و اسلامگرایی افراطی و اقدامات علیه تروریست‌ها در خاک آمریکا. در خاتمه باید اشاره کرد به اینکه دونالد ترامپ در عرصه واقعی سیاست داخلی و خارجی آمریکا چقدر می‌خواهد و یا چقدر می‌تواند به وعده‌های خود عمل کند، به آینده موکل می‌شود. اما قدر مسلم او نمی‌تواند ماهیت نظام‌های امپریالیستی، بخصوص آمریکا را که حیاتش در گروه غارت و چپاول دیگر ملت‌ها و ایجاد بحران‌ها و جنگ و ویرانی است، تغییر ایجاد کند. همان طور که اوبا نتوانست به وعده‌های خود عمل کند و کاری از پیش ببرد.

پوپولیس، فریبکار و حتی یک شومن تلویزیونی و غیره سیاسی خطاب کردند. عده‌ای او را خطرناک دانستند که آمدنش جهان را در معرض نابودی قرار می‌دهد. هیلاری کلینتون او را لایق ریاست جمهوری کشور بزرگ آمریکا نمی‌دانست و از اینکه او زمام دولت آمریکا را در دست بگیرد، احساس نگرانی می‌کرد و...

اما آنچه مسلم است ترامپ از درصد بالای ناراضیانی مردم بویژه اقشار بینابینی از سیاست‌های نئولیبرالی حاکم بر آمریکا خبر داشت. او با تاکید بر سیاست‌های درون‌گرای صنعتی و حمایت از تولید داخلی برای گروه‌های کم درآمدی که در سال‌های گذشته از بحران اقتصادی صدمه زیادی خورده بودند، امید کار و درآمد می‌داد.

وی با انتقاد از سرمایه‌داران آمریکایی که سرمایه‌های خود را به خارج از کشور منتقل کرده‌اند و مالیات پرداخت نمی‌کنند، آنها را مقصر وضعیت موجود می‌دانست و اوست که می‌خواهد عظمت آمریکا را برگرداند و اقتصاد نا بسامان آن را شکوفا کند.



### نگاهی گذرا به زندگی پرافتخار پروفسور اسد یعقوبی

از طرف هیئت تحریریه روزنامه آذربایجان از پروفسور اسد یعقوبی درخواست شد تا بیوگرافی خود را در اختیار خوانندگان روزنامه قرار دهند. پروفسور با اکراه به این درخواست ما تن دادند. جا دارد هم اینجا از طرف هیئت تحریریه به خاطر این همکاری از ایشان کمال تشکر را داشته باشیم. ایشان نوشته‌اند:

در این رابطه روی چه باید بنویسم را خیلی فکر می‌کنم. چونکه در زندگی انسان صفحات درخشانی که نظر خواننده را به خود جلب می‌نماید، باید باشد. در صورتی که همچنین صفحاتی در زندگی من موجود نیست. علیرغم این می‌خواهم در اینجا چند سطر در مورد خود بنویسم.

در آذربایجان متخصصان پداگوژی که با من هم‌دوره و هم‌کار بودند هیچ کدام نتوانستند در عرصه پیشرفت علم و تحصیل نوع آوری بخصوصی از خود نشان دهند. یعنی آنها به موضوعاتی که بایستی تحقیق، مطالعه کرده و از آن نتیجه بگیرند، ورود نکردند. در صورتی که در این باره تحقیقات علمی من همیشه متخصصین پداگوژی را به حیرت واداشته است. من همیشه در کارهای علمی با بی عدالتی‌ها و جعلیات (جعل اسناد) به شدت مبارزه کرده‌ام. این رفتارم باعث شده که کیفیتاً از نظر شخصیتی با دیگران فرق داشته باشم و به خاطر اینهم

همیشه مورد عتاب و عذاب قرار گرفته‌ام. شاید بیشتر عمرم را با همین گرفتاریها سپری کرده‌ام. اما علیرغم این دشواریها در مقابل مخالفانم با قاطعیت و عناد ایستادگی کرده و محق بودن خود را به آنها ثابت کرده‌ام. البته از طرف اجتماع مورد تشویق قرار گرفته‌ام. بنابراین این از این عملکرد بی نهایت احساس آرامش نموده‌ام. شاید تا کنون همین صمیمیت و علاقمندی اجتماع، پیروزیهای معنادارم و همچنین حرفها و برهانهای قاطع سبب زنده بودنم شده‌اند.

من در سال ۱۹۲۲ در شهر آستارا (ایران) در روستای "بوآغ قارا" در يك خانواده متوسط و روشنفکری دنیا آمده‌ام. ابتدائی و متوسطه را در مدرسه حکیم نظامی تمام

## نگاهی گذرا به زندگی پرافتخار....

کرده و برای ادامه تحصیل به تهران رفته ام. در آن دوره در دبیرستان "البرز" که یکی از معتبرترین دبیرستان متوسطه (۱۲ ساله - کالج آمریکایی) بود، ادامه تحصیل داده و دیپلم گرفته ام. معلمان این دبیرستان همه اشان در خارج تحصیل کرده بودند. مدیر دبیرستان شخصیت مشهوری به نام آقای صورتگر بود.

در همین دوره عضو مخوفی سازمان حزب توده ایران شدم. حضور فعال سازمان محسوب می شد. طولی نکشید که از طرف پلیس مورد تعقیب قرار گرفتم. مجبور شدم از رود مرزی اترک واقع در ترکمنستان گذشته وارد خاک اتحاد شوروی بشوم. بعد از گذشتن از مرز از طرف مأمورین مرزی مورد احترام واقع شدم. با مشایعت سرگرد نظامی اعزامی از آذربایجان به باکو رفتم. در باکو اوایل در رشته حقوق تحصیل کردم و بعد وارد دانشکده زبانهای خارجی شدم. بعنوان عضو انجمن دانشجویی چند اثر علمی ام چاپ شده است. از جمله در زبان "فرانسه و آذربایجان" مقایسه پسوندها برای ساختن صفت، همچنین در داستان "فیروزه" اثر جعفر جبارلی به جای کلمات بکار رفته ایدئوماتیک، نوشتن معادل آن در زبان فرانسه را می توان نام برد. دانشکده زبانهای خارجی را با کیفیت عالی تمام کردم. در همان سال با امریه وزارت آموزش و پرورش در دانشکده زبانهای خارجی به سمت رئیس کمیسیون امتحانات دولتی پذیرفته شده و بمدت ۱۰ سال در این سمت انجام وظیفه نمودم.

بعد در کتابخانه ملی بنام میرزا فتحعلی آخوندوف در شعبه ادبیات زبانهای خارجی بعنوان کتابدار و مدیر کار کردم. سپس در دانشکده پداکوژی به نام ولادیمیر ایلیچ لنین آذربایجان در شعبه ادبیات شناسی- روان شناسی بعنوان فوق لیسانس در سمت آسیتانانت کار کردم. در این دانشکده در همین سمت بعنوان رهبر ۱۰ سال مدام انجام وظیفه نموده ام.

در همین دوره در تهران در روزنامه دولتی با امضای "خزر" مقالات سیاسی ام چاپ می شد. در این رابطه نشر جزوه "مسئله ملی و نگرش ما سوسیال دمکراتها" را هم می توان نام برد. کتابهای زیرین را نیز به این نوشته ها می توان علاوه نمود.

۱- در رشته ادبیات جهت تدریس در مدارس عالی جمهوری آذربایجان تألیف کتاب درسی برای آموزش زبانهای فارسی و فرانسه. همچنین برای تدریس آن زبانها تهیه برنامه ها، کتابهای درسی و وسایل آموزش را می توان نام برد. این آثار ادبی از طرف وزارت آموزش و پرورش جمهوری آذربایجان مورد تأیید قرار گرفته و بطور رسمی با ثبت ملی بچاب رسیده است.

۲- در آذربایجان کتاب "فرهنگ آموزش و پرورش، نظریه تاریخ پداکوژی و تحصیل" چاپ شده با خط

(شیریف) ریز بیش از ۶۰۰ صفحه را در بر می گیرد

۳- تفکر در مورد زندگی

۴- انسان و حیات ۵- در عرصه خیال، آرزو و امید(در

بیابان خیال، آرزو و امید) در جمهوری آذربایجان برای اولین بار با همکاری پرویز یعقوبی مؤسسه ای بنام "پالیگوت" که مرکز آموزشی و ترجمه می باشد را تأسیس کرده ام. هم اکنون این مرکز در نزد دانشکده پداکوژی (تربیت معلم) فعالیت می کند. در این مؤسسه در رشته زبانهای آذربایجانی، فارسی، فرانسوی، ترکی، عربی و انگلیسی بیش از ۳۰۰ نفر تحصیل می کردند. مدت این تحصیل ۲ سال بود و بعد اتمام مدت تحصیل بعنوان متخصص به آنها دیپلم داده می شود. شهروندان مراجعه کننده به این مؤسسه به هر زبانی که می خواستند، اسنادشان ترجمه می شد. هم اکنون "پالیگوت" زیر نام "مرکز ترجمه" به فعالیت خود ادامه می دهد. مراتب فوق بخشی از بیوگرافی ام می باشد که یادمانده است.

چند مسئله را که ربطی به بیوگرافی ام ندارد را می خواهم در اینجا بیان کنم.

در جامعه بشری برای مناقشه ها، روزگوییها و خلافاکارها قانون کیفری تطبیق می شود. بطور کلی این قانونها در اجتماع چندان تأثیر اساسی ندارد. چونکه این قانونها خود يك نوع زورگوئی رسمی است که از طرف نهادهای دولتی تطبیق می گردد. البته این را نیز باید دانست که واسطه های سالم و مؤثر نیز کم نیستند.

برای هر کسی واضح و روشن است که انسان ترکیبی از خیر و شر طبیعت است. در مقابل تضعیف نیروهای خیر، نیروهای شر سر بلند می کنند. وقتی سخن از نیروی خیر می کنم، بطور کلی تزکیه نفس را در نظر می گیرم. وقتی نفس را نمی توانی مهار کنی و جلویش را بگیری در آن صورت نیروی ویرانگر شر شروع به طغیان می کند. کارهای خلاف تمام تارپود جامعه را فرا میگیرد. مسئله اساسی این است که هنوز روی روش تزکیه (مهار کردن) نفس کار نشده و بعنوان معضل جامعه بشری پابرجاست. جامعه شناسان، روان شناسان، معلمان و بخشی از مورخان روی این معضل اجتماعی بایستی تحقیق و بررسی به عمل آورند. متأسفانه این معضل بشری تا کنون مدنظر قرار نگرفته است. درست است که در این مورد نصایح فراوانی موجود است. اما این نصایح در تغییر شعور آدمی به سمت مثبت چندان مؤثر نبوده و نیستند. زیرا ۳۰ دقیقه نصیحت، شنونده جوان را به خواب و میدارد.

در گذشته هم همینطور بوده است. همیشه دانشمندان و علما از فساد و خرابکاری اجتماع بشری نالیده و شکوا کرده اند. اما هیچ علاجه برای این معضل اجتماع پیدا نکرده اند. آنها با کنایه هم که باشد صدای اعتراض خود را برآفرینش بلند کرده اند و ما نیز فریاد توأم با نفرت آنها را شنیده ایم. عمر خیام نیز یکی از آنهاست:

گر بر فلکم دست بدی چون یزدان

برداشتی من این فلک را زمین

وز نو فلکی دگر چنان ساختمی

نگاهی گذرا به زندگی پرافتخار....

کازاده به کام خویش رسیدی آسان  
این فکر اتوپیا و یا خیال می باشد.

اتوپیا و یا خیال

شبیبه این شعر در میان شعرهای حافظ نیز وجود دارد:

آدمی در عالم خاکی نماید بدست

عالمی دیگر به باید ساخت وز نو آدمی.

ببینید اینم خیال است.

به نظر من سرچشمه کلیه فساد و محیط فاسد خود انسان است. اگر در جامعه بشری بطور مطلق حاکمیت عدل و قسط بر قرار شود، در آن صورت بیشتر نابسامانیها و معضله‌های اجتماعی از بین میرود. مسئله اساسی این است که متأسفانه تا کنون روی متد و راهبرد عدالت اجتماعی کار نشده است. در اینجا یکی از اشعار نظامی به ذهنم رسید:

عدل تو قندیل شب افروز است

مونس فریاد تو امروز است.

یعنی دوست فردای تو عمل خیر امروز توست که به کمک خواهد شتافت. در اینجا نیز شعر شاعر نمی توان خالی از خیال و اتوپیا دید. در این شعر نیز نصایح

موجود است. همانطور که گفته شد نصایح در تغییر شعور آدمی به سمت مثبت چندان مؤثر نیست. فقط آدمهای مسن با نصایح سر و کار دارند و به آنها علاقمنداند. اما در مبارزه برای ساختن آینده بهتر هیچ سلاحی در دست نسل امروز موجود نیست. هدف از سلاح، داشتن روش و متد مبارزه مد نظر است. نسل امروز بیشتر به راه و روش افراد باشخصیت و مبارز علاقه نشان می دهند. امروز با توضیح چگونگی راه و روش مبارزان به نسل امروز، می توان آنها را برای ساختن فردای بهتر آماده کرد. یعنی با دمیدن طرز زندگی، راه و روش آنها در روح و کالبد نسل امروز می توان آنها را برای ساختن دنیای بهتر آماده کرد. اما هنوز در این مورد کار بخصوصی انجام نگرفته است.

نثرها:

۱- راه و روش تزکیه (مهار کردن) نفس(ساز و کار تزکیه نفس)

۲-متد برقراری حاکمیت مطلق عدل و قسط (ساز و کار بر قرار کردن مطلق عدالت اجتماعی)

## اصلاح قانون تعاون

### تیر خلاص به پیکر نیمه جان اصل ۴ قانون اساسی

#### بعد از لایحه اصلاح قانون کار نوبت به اصلاح قانون تعاون رسیده است

پیشنهادات اتاق‌های تعاون و اتحادیه‌های تعاونی صورت نگرفته و مطالبات جامعه تعاون کشور عملاً نادیده گرفته شده است.

سید کاظم دلخوش - رئیس فراکسیون تعاون مجلس چندی قبل اعلام کرد که اصلاحیه قانون تعاون بدون جلب نظر ذی نفعان بخش تعاون نوشته شده و مجلس وقتی نتواند آن را اصلاح کند به آن رای نمی‌دهد.

به گزارش ایسنا، لایحه اصلاح قانون تعاون آذرماه سال ۱۳۹۲ به مجلس ارسال شد که همان زمان چند بند از لایحه با هدف تقویت جایگاه اتاق‌های تعاون اصلاح و در خرداد سال ۱۳۹۳ به تصویب مجلس رسید. تا آنکه در مرداد ماه سال جاری و در راستای اجرای بند (ح) ماده ۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و به منظور حذف مداخلات دولت در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها و اتاق‌های تعاون اصلاحیه آن توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس ارسال شد.

اصلاحیه قانون تعاون هم اکنون در کمیسیون اقتصادی مجلس است و مقامات دولتی بخش تعاون امیدوارند که کلیات لایحه با توجه به سلب اختیارات تعاونی‌ها و عدم نظرخواهی تعاونگران مورد موافقت این کمیسیون قرار نگیرد.

با توجه به اظهارات اخیر وزیر تعاون که گفته از عقل جمعی تبعیت کرده و اصراری به اصلاح لایحه نداریم، باید منتظر ماند و دید که حرکت کمیسیون اقتصادی مجلس در قبال این موضع‌گیری چه خواهد بود؟

اصلاحیه قانون تعاون لایحه‌ای غیر ضرور برای بخش تعاون است که در صورت تصویب آن نه تنها سهم ناچیز بخش تعاون از بین رفته، بلکه اختیارات بخش تعاون نیز محدود خواهد شد پس از هفته‌ها کشمکش و مناقشه بر سر اصلاحیه قانون تعاون، ابراز نگرانی تعاونگران و تلاش مقامات دولتی این بخش برای بازگرداندن اصلاحیه از مجلس به دولت، حالا وزیر تعاون می‌گوید که اصراری به تصویب لایحه فعلی نداریم و از آنچه که عقل جمعی مدنظر دارد دفاع می‌کنیم، چون نگاه دولت نسبت به بخش تعاون و تشکل‌های تعاونی همواره نگاه حمایت‌گرانه بوده است.

در هفته‌های اخیر تشکل‌های تعاونی و مقامات بخش تعاون کشور نسبت به ارسال اصلاحیه قانون تعاون به مجلس واکنش نشان داده و در اعتراض به آنچه که عدم دعوت از اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون برای دریافت نظرات کارشناسی و تخصصی آنها خوانده می‌شد، خواستار بازگشت لایحه از مجلس به دولت شدند.

به اعتقاد ماشاء الله عظیمی اصلاحیه قانون تعاون لایحه‌ای غیر ضرور برای بخش تعاون است که در صورت تصویب آن نه تنها سهم ناچیز بخش تعاون از بین رفته، بلکه اختیارات بخش تعاون نیز محدود خواهد شد.

فعالان بخش تعاون بر این باورند که با وجود آنکه تعاونی‌ها و اتاق‌های تعاون، ذی نفعان اصلی قانون به شمار می‌روند، اما عملاً در تدوین اصلاحیه نقشی نداشته‌اند به نحوی که هیچگونه مذاکره‌ای برای دریافت نظرات kh نا کارشناسی و

### لیبی پنج سال پس از معمر قذافی تفاوت بین هوچی گری با واقعیت

در حال حاضر لیبی دو پارلمان، دو دولت و هزاران شبه نظامی مسلح دارد که همگی داعیه قدرت دارند و در این ۵ سال هر کس که یک اسلحه داشته، توانسته دستور بدهد.

این کشور نفت خیز زمانی بالاترین استانداردهای معیشتی در قاره آفریقا را داشت و خدمات درمانی و آموزشی رایگان به مردم ارائه می‌کرد اما در ۵ سال گذشته با بحران مالی شدید روبه رو شده و تولید نفت این کشور ۵۰ درصد کاهش یافته است. جنگ حدود ۴۰۰ هزار لیبیایی را در خاک کشور خودشان آواره کرده است.

همچنین ناآرامی‌ها به گروه تروریستی داعش امکان داده در لیبی برای خود قلمرو بسازد و قوانین سختگیرانه و تکفیری‌اش از جمله اعدام‌ها و به صلیب کشیدن‌ها را در آنجا اجرا کند. در آوریل ۲۰۱۵ داعش بیش از ۳۰ کارگر مهاجر را که اکثراً اهل کشور اتیوپی و مسیحی بودند اعدام کرد.

۵ سال پس از مداخله نظامی بی‌نتیجه فرانسه و انگلیس در لیبی، پارلمان انگلیس در گزارشی، دیوید کامرون، نخست‌وزیر وقت را مسئول وضعیت بی‌ثبات و ناآرام کنونی لیبی دانست و او را به نداشتن یک «استراتژی منسجم» و «مبتنی بر اطلاعات واقعی» در این خصوص متهم کرد.

در این گزارش که توسط کمیته منتخب امور خارجه پارلمان انگلیس با اکثریت اعضای محافظه کار تهیه و منتشر شده، آمده است:

«نتیجه مداخله نظامی فرانسه و انگلیس در لیبی، فروپاشی سیاسی و اقتصادی این کشور، بروز جنگ‌های بین قبیله‌ای و بین گروهی، بحران‌های انسانی و مهاجرتی، خشونت‌های گسترده حقوق بشری، پخش شدن سلاح‌های رژیم قذافی در منطقه و رشد داعش در شمال آفریقا بود و کامرون به خاطر تصمیمی که در شورای امنیت ملی درباره مداخله در لیبی گرفت مسئول است.»

گزارش پارلمان انگلیس علیه دیوید کامرون در حالی منتشر شده است که در ماه‌های اخیر نیز گزارشی موسوم به چیلکات علیه مداخله تونی بلر، نخست‌وزیر سابق انگلیس در جنگ عراق منتشر شده بود.

به گزارش روزنامه انگلیسی گاردین، در ادامه این گزارش که می‌تواند مشروعیت سیاست خارجی کامرون را زیر سؤال ببرد، آمده است:

«اگر هدف اصلی این مداخله حمایت فوری از غیرنظامیان بنغازی در مقابل تهدیدهای قذافی بود، این هدف در مارس ۲۰۱۱ در کمتر از ۲۴ ساعت حاصل شد اما یک سیاست فرصت‌طلبانه باعث شد مداخله نظامی در لیبی تا تغییر رژیم این کشور پیش برود.»

پنج سال پس از کودتای خونین علیه دولت "معمر قذافی" رهبر لیبی توسط کشورهای عضو ناتو با همکاری حکومت های ارتجاعی منطقه می گذرد. سرنوشت سیاسی این کشور همچنان نا روشن است. اکنون پنج سال است که ده‌ها قبیله و عشیره در چهار گوشه کشور، برای تصرف بخشی از قدرت سیاسی و ثروت ملی، مسلحانه مبارزه می‌کنند.

واقعیت این است که لیبی امروز از حضور گروه‌های شبه‌نظامی متعدد، که شمار آنها را بالغ بر ۳۰۰ گروه تخمین زده‌اند، از جمله ۱۰۰ گروه کوچک و بزرگ در پایتخت (طرابلس)، رنج می‌برد. در این میان، افراد مسلح در مصراته و زنتان به تجهیزاتی مانند تانک و راکت‌انداز و تیربار مجهز هستند و می‌توانند به راحتی حداقل در برخی مناطق کشور ناامنی ایجاد کنند که در نهایت به تجزیه لیبی منجر شود.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از "طرابلس" پایتخت لیبی می‌نویسد: سرخوردگی از پیامدهای "انقلاب لیبی" و هرج و مرج حاصل از آن، چنان بالا گرفته است که مردم حسرت روزهای پیش از انقلاب را می‌خورند.

این خبرگزاری می‌نویسد: با رفتن قذافی، اکنون عدم امنیت، نایابی مایحتاج اولیه زندگی، جان مردم را به لب آورده است. در حال حاضر، کشور عملاً به دو بخش مستقل با دو حکومت، تبدیل شده است: در "طرابلس" پایتخت لیبی، دولت "وحدت ملی" که با نظارت سازمان ملل فراخوانده شد، خود را تنها دولت مشروع کشور می‌داند؛ ولی در شرق کشور، بخش وسیعی در کنترل ژنرال سابق ارتش لیبی "خلیفه حفتر" قرار دارد؛ وی تاکنون موفق نشده به فعالیت‌های تروریستی نفرت القاعده و باقیمانده‌های داعش در مناطق "صراته"، "سیرت" و "درنه" پایان دهد و گروه‌های شورشی اسلامی را سرکوب نماید.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که شهر "طرابلس" پایتخت لیبی، جایی که شورش‌ها از خیابان‌های آنجا در سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز شد، در خلال جنگ‌های داخلی چهارساله کاملاً ویران شده است. این شهر که هم اکنون توسط دولت وحدت ملی کنترل می‌شود، بخش اداری لیبی را همچنان در خود جای داده است.

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: در حالی که هرج و مرج بر سراسر کشور مستولی گردیده، در این میان تنها هواداران حکومت قذافی در خارج از لیبی هستند که با ابراز رضایت قلبی از وضع موجود، تأکید دارند که وضع حاضر، نشان می‌دهد که رهبر سابق لیبی از چه "دوراندیشی" قابل اطمینانی برخوردار بوده است.

مصیبت‌های امروز لیبی



## لیبی پنج سال پس از...

فارغ از گمانه زنی‌هایی که درباره چرایی انتشار این گزارش در شرایط کنونی جهان و تأثیرات آن بر تحولات سیاسی انگلیس، فرانسه و آمریکا وجود دارد، شرایط نامن و پرمخاطره حاکم بر لیبی، ۵ سال پس از سرنگونی قذافی و آینده مبهم پیش روی این کشور بر اهمیت این گزارش می‌افزاید. در حال حاضر لیبی غرق در ناآرامی‌های سیاسی و اقتصادی است و جناح‌ها و گروه‌های شبه نظامی مختلف برای به دست گرفتن کنترل هلال نفتی این کشور با هم رقابت و جنگ می‌کنند و از دولت تحت حمایت سازمان ملل نیز که در سال ۲۰۱۴ پس از انتخابات پارلمانی روی کار آمد، هیچ حمایت مالی ای نمی‌شود.

## فرصت دموکراسی یا فرصت طلبی

کامرون پیشتر در یکی از معدود پاسخ‌هایی که به انتقادات درباره مداخله‌اش در لیبی داده بود، مردم لیبی را مقصر بی‌ثباتی کنونی در کشورشان دانسته و گفته بود: «آنها نتوانستند از فرصت دموکراسی که برایشان به وجود آوردیم بخوبی استفاده کنند».

وی در ماه ژانویه ۲۰۱۶ نیز خطاب به نمایندگان مجلس عوام در دفاع از خود گفته بود:

«مداخله نظامی ما در لیبی لازم بود زیرا قذافی در بنغازی مردم را تحت فشار قرار داده بود و می‌خواست مردم خودش را مانند موش‌ها قتل عام کند».

این دفاعیات در حالی است که کامرون به نادیده گرفتن خطر گروه‌های افراط‌گرا در لیبی، نداشتن اطلاعات کافی و درست درباره شرایط داخلی این کشور و بیش از اندازه بزرگ و جدی جلوه دادن تهدیدهای قذافی درباره سرکوب مردم کشورش متهم است.

کریسپین بلونت، رئیس کمیته منتخب امور خارجه پارلمان انگلیس در مصاحبه با بی‌بی سی گفت: «بر اساس شواهدی که داریم در مسأله تهدید جانی مردم بنغازی از سوی قذافی تا حد زیادی مبالغه شده بود و پس از آنکه امنیت جانی مردم در کمتر از ۲۴ ساعت تأمین شد، گزینه‌های سیاسی وجود داشت و تونی بلر که روابطی با قذافی داشت برای به جریان انداختن گزینه‌های سیاسی با او تلفنی صحبت کرد و از او خواست بنغازی را ترک کند اما دولت انگلیس منحصراً بر مداخله نظامی فرصت طلبانه برای تغییر رژیم این کشور متمرکز شده بود».

همچنین این احتمال که ممکن است گروه‌های افراط‌گرا از فضای ناآرام لیبی به نفع خود استفاده کنند نباید نادیده گرفته می‌شد بویژه اینکه شواهدی وجود داشت که افراط‌گراهای لیبی از قبل از سال ۲۰۱۱ با افراط‌گراهای فراملی در عراق و افغانستان ارتباط داشتند و در خشونت‌های القاعده در این دوکشور مشارکت هم کرده بودند.

مجموع این تحلیل‌های ناقص و مبتنی بر اطلاعات اغراق‌آمیز و ناکافی به مداخله نظامی انگلیس و فرانسه انجامید و باعث شد رخدادها در این کشور آفریقایی به گونه‌ای پیش برود که اکنون به جای یک کشور نفت خیز ثروتمند در آفریقا کشوری سقوط کرده، ناآرام و بی‌ثبات برجا بماند.

## دامنه تأثیرات خارجی گزارش

این گزارش همچنین پیامدهای جدی برای نیکلا سارکوزی، رئیس جمهوری سابق فرانسه خواهد داشت که در مارس ۲۰۱۱ مداخله نظامی در لیبی را کلید زد و بنا بر گزارش کمیته منتخب امور خارجه پارلمان انگلیس، کامرون را به همکاری در این مداخله نظامی ترغیب کرد.

بویژه اینکه سارکوزی کاندیداتوری خود را برای انتخابات آتی فرانسه اعلام کرده است. در این میان، دونالد ترامپ، کاندیدای جمهوریخواه ریاست جمهوری آمریکا نیز از گزارش اخیر پارلمان انگلیس علیه کامرون استقبال خواهد کرد. زیرا ترامپ همواره سعی می‌کرده، سیاست خارجی هیلاری و عملکرد او در لیبی در دوره تصدی بر وزارت خارجه در سال ۲۰۱۱ را نقد کند.

این در حالی است که عملکرد هیلاری در لیبی ارتباطی به مداخله نظامی انگلیس و فرانسه در این کشور ندارد و دولت آمریکا و شخص اوباما یکی از مخالفان این مداخله نظامی بود و رئیس جمهوری آمریکا پیشتر در مصاحبه‌ای گفته بود: فرانسه و انگلیس پس از سقوط قذافی منافع خود را در لیبی از دست می‌دهند.

## ۱۶ امتیازی که لیبی دیگر نخواهد دید!

دکتر وجدان شتلاوی، استاد دانشگاه طرابلس، یک سال پس از دخالت نیروهای نظامی خارجی، که در لیبی به صورت دخالت ناتو نمود پیدا کرد، در گزارشی با عنوان «۱۶ چیزی که لیبی هرگز تحت سیطره‌ی شورشیان و ناتو نخواهد دید»، به بررسی وضعیت اجتماعی لیبی قبل و بعد از سقوط قذافی پرداخته است.

سایت ووردپرس، در این باره می‌نویسد:

۱ در لیبی چیزی به نام قبض برق وجود نداشت؛ هزینه برق برای همه رایگان بود.

۲ چیزی به نام بهره‌ی بانکی وجود نداشت؛ همه‌ی بانک‌ها موظف بودند وام‌هایی بدون بهره (صفر درصد) به درخواست‌کنندگان بدهند.

۳ داشتن خانه یک حق شناخته‌شده برای همه‌ی لیبیایی‌ها بود.

۴ هر زوجی که تازه ازدواج کرده بودند از دولت 60 هزار دلار برای خرید آپارتمان و شروع زندگی هدیه می‌گرفتند.

۵ هزینه‌ی آموزش و بهداشت در لیبی رایگان بود. پیش از دوره‌ی «معمّر قذافی» ۲۵ درصد مردم باسواد بودند

## لیبی پنج سال پس از...

و پس از آن، تا دوره کنونی، شمار باسوادان به ۸۳ درصد رسیده بود.

۶ اگر یک لیبیایی می‌خواست کشاورزی کند، زمین کشت‌وکار، خانه، سازوبرگ، بذر و دام برای آغاز کار به صورت رایگان به او داده می‌شد.

۷ اگر یک شهروند لیبیایی به امکانات پزشکی مورد نیازش درون لیبی دست پیدا نمی‌کرد، دولت بهای درمان و ماندن او در بیرون از کشور را تا ۲۳۰۰ دلار در ماه متقبل می‌شد.

۸ اگر یک شهروند لیبیایی خودرو می‌خرید، نیمی از بهای آن را دولت می‌پرداخت.

۹ بهای بنزین در لیبی ۱۴ سنت در لیتر بود.

۱۰ لیبی هیچ بدهی خارجی نداشت و افزون بر آن، دارای ۱۵۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی بود.

۱۱ اگر یک لیبیایی نمی‌توانست پیشه‌ای در خور آموزش خود بیابد، دولت دستمزدی به اندازه همان پیشه، تا هنگام یافتن آن شغل، به وی می‌پرداخت.

۱۲ بخشی از درآمد فروش نفت لیبی سالیانه به حساب بانکی هر شهروند واریز می‌شد.

۱۳ هر زنی که زایمان می‌کرد، ۵ هزار دلار از دولت هدیه دریافت می‌کرد.

۱۴ - بهای ۴۰ قرص نان در لیبی ۱۵ سنت بود.

۱۵ - حدود ۲۵ درصد مردم لیبی آموزش دانشگاهی

داشتند.

۱۶ در دوره «معمار قذافی»، بزرگترین پروژه آبیاری جهان در بیابان‌های لیبی پیاده شد؛ به گونه‌ای که در هر جای صحرا آب در دسترس بود.

نتیجه‌گیری

قدرت‌های بزرگ در این میان تنها به دنبال تأمین نفت مورد نیاز خود هستند، نه احیای اقتصاد لیبی؛ چرا که حتی در بحبوحه‌ی درگیری مردم با نیروهای قذافی و کشتارهای وحشیانه‌ی مردم تحت عنوان مبارزه با دیکتاتوری، کمپانی‌های انگلیسی به عقد قرارداد با شورای انتقالی و کسب مجوز برای فعالیت در حوزه‌های نفتی لیبی مبادرت کردند. تشکیل دولت انتقالی و تصمیماتش، تشکیل مجلس جدید و حتی تشکیل دولت جدید تحت تأثیر این دخالت قرار گرفت و وضعیتی را به وجود آورد که امروز در لیبی نظاره‌گر آن هستیم؛ دورانی که وحدت ملی و همگرایی مردم به جنگ داخلی منجر شد.

طی جنگ مداخله جویانه امپریالیست‌ها زیر ساخت‌های اقتصادی که نتیجه سالها تلاش و زحمت مردم این کشور بود، نابود گردید. اگر یک بار دیگر زمان به عقب بازمی‌گشت، آیا مردم لیبی حاضر می‌شدند تحت تأثیر تبلیغات دروغین غرب شرایط را برای دخالت نیروهای نظامی خارجی و تبعات آن فراهم کنند؟

### به یاد رفیق صفر قهرمانی به مناسبت چهاردهمین سال درگذشت او



در نوجوانی برای گذران زندگی خانواده به کار کشاورزی پرداخت. در آن موقع، بخش زیادی از حاصل کار دهقانان نصیب مالکان میشد، دولت و ژاندارم‌ها هم حامی آنها بودند. مالکین، عملاً صاحب اختیار جان و مال و ناموس دهقانان محسوب میشدند.

مقارن با شهریور ۱۳۲۰ و ورود متفقین به ایران و تبعید رضا شاه از کشور بود. صفرخان که نسبت به جور و ستم خان‌ها کینه آشتی ناپذیری داشت، با اوج‌گیری مبارزه دهقانان علیه خوانین و دولت در سازماندهی آنها نقش جدی بازی کرد. بسیاری از روستاییان منطقه برای کوتاه کردن دست اربابان، مسلح شده بودند. در این ایام

۱۴ سال از درگذشت صفر قهرمانی اسطوره مقاومت خلق‌های ایران می‌گذرد.

صفر قهرمانی مبارزی آشتی ناپذیر بر علیه جور و ستم خوانین، ارتجاع و رژیم ستم‌شاهی بود.

او سالهای طولانی عمرش را در زندان گذراند، شکنجه شد و سخت‌ترین فشارهای روحی و روانی را تحمل کرد و استوار ماند. به همین خاطر آوازه صفر قهرمانی از مرزهای ایران گذشت. او با تحمل ۳۲ سال زندان و مقاومت بی نظیرش در مقابل جلادان که قصد داشتند به هر شکلی به تسلیمش وادارند و موفق نشدند. بعنوان مبارزی که در راه رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی، بیش از سه دهه زندان را تحمل کرد. احترام جهانیان را بر انگیخت و نامش در زمره شناخته شده‌ترین زندانیان سیاسی جهان به ثبت رسید.

در سال ۱۳۰۰ و در روستای شیشوان عجب شیر؛ واقع در استان آذربایجان شرقی بدنیا آمد و به علت فقدان مدرسه در محل زندگی، بالاچار مدت ۷ سال نزد میرزاهای و ملاهای ده، گلستان و بوستان و ... خواند. اما، به علت اینکه زبانش ترکی بود، چیزی از آنها عایدش نشد. پس از آن وارد مدرسه‌ای در عجب شیر شد، ولی تنها توانست دوره ابتدایی را به پایان برد.

## به یاد رفیق صفر قهرمانی....

صفرخان و تنی چند از دوستانش سازماندهی و آموزش روستاویان را به عهده داشتند.

با تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۲ او همراه عده ای از همزمانش به عضویت فرقه دمکرات آذربایجان در آمدند. صفرخان به خاطر سابقه مبارزات مسلحانه ای که داشت، به درجه سروانی نائل شد و نقش بزرگی در سازماندهی و آموزش فدائیان بازی کرد.

پس از شکست جنبش ۲۱ آذر در پی تهاجم خونین ارتش شاه با همدستی آمریکا و انگلیس، صفر قهرمانیان که از دست متجاوزین گریخته بود. مدتی در منطقه آذربایجان و سپس در مناطق مرزی ایران و عراق بسر برد، در عراق گرفتار و به زندان اربیل فرستاده شد، اما موقعی که از بدهستان های دولتهای ایران و عراق در تعویض پناهندگان و زندانیان دو سوی مرز، باخبر گشت، از زندان اربیل فرار و به طرف مرز رفت و وارد خاک ایران شد.

پس از مدتی زندگی مخفی در ایران توسط مامورین و جاسوسان حکومت، شناسایی و روز ۱۸ اسفند ۱۳۲۷ در ارومیه دستگیر و پرونده اش به دادگاه نظامی فرستاده شد.

دادگاه نظامی، دوبار پرونده صفرخان را به دادگستری فرستاد، ولی با اعمال نفوذ مالکین و فئودالها که هنوز عطش انتقامشان پس از این همه کشتار فروکش نکرده بود، و به چیزی جز حکم اعدام او راضی نبودند، پرونده مجدداً به دادگاه نظامی عودت داده شد.

در آذر ۱۳۲۹ درست ۴ سال پس از سرکوب وحشیانه جنبش ۲۱ آذر، و قلع و قمع دولت خود مختار آذربایجان، صفر خان در دادگاه نظامی به اتهام قیام مسلحانه علیه امنیت کشور و براندازی نظام به اعدام محکوم گردید.

پس از ۵ سال بلا تکلیفی و انتظار و دلهره اعدام، سرانجام بر اثر اعتراضات نیروهای مترقی در سطح جهان در سال ۱۳۳۳ حکم اعدامش به حبس ابد تقلیل یافت.

او تا سال ۱۳۳۷ در زندان های آذربایجان بسر می برد و در این سال به زندان مخوف برازجان فرستاده شد.

او در زندان برازجان با گروهی از افسران سازمان نظامی حزب توده ایران، سه تن از رهبران حزب دمکرات کردستان و عده ای از اعضای جبهه ملی همبند بود. آنها تا سال ۱۳۴۷ در زندان برازجان زندگی پر مشقتی را از سر گذراندند و در آبان ۱۳۴۷ به زندان قصر تهران منتقل گردیدند.

سال ۱۳۴۱ همسرش تصمیم گرفت به ملاقات صفرخان برود، او در تمام این مدت حتی یک ملاقاتی هم نداشت.

خانواده اش در تنگناهای مالی بودند و راه برازجان هم بسیار دور. همسرش قبل از رسیدن به برازجان، در

تهران بیمار شد و چشم از جهان فرو بست. دخترش در نامه ای خبر مرگ مادرش را داد.

به قول صفرخان در آن لحظه هیچ کس نمی توانست خودش را جای او بگذارد.

صفرخان سالهای زندگی در زندان برازجان را سالهای مرگ تدریجی میدانست.

سال ۱۳۴۶ در برازجان، پس از ۲۰ سال اسارت، برای اولین بار، دخترش همراه کودک شیر خواره اش به دیدار پدر و پدر بزرگ رفتند، نه پدر دختر را تاکنون به چهره دیده بود و میشناخت و نه دختر پدر را. آنها همدیگر را در آغوش کشیدند. صفرخان دلش میخواست گریه کند، ولی نکرد. دست روی قلبش گذاشت و در دل گریست؛ اما گریه ای از روی شادی.

دوره ده ساله سوم زندان را بیشتر در زندان های تهران، قصر و اوین گذراند. در این دوره فضای زندان های شاه تغییر جدی کرده بود. زندان ها انباشته شده بود از جوانانی که شور و شیدایی دیگری داشتند. علاوه بر توده ای ها، افراد جدیدی که راه و روش مبارزاتی متفاوتی را دنبال میکردند، وارد زندان شده بودند. و به همان میزان، مناسبات درون زندان را تحت الشعاع قرار میدادند. دوره آرامش زندانها به پایان رسیده بود. وقایع بیرون زندان تاثیر بلا واسطه ای بر رفتار زندانبانها می گذاشت و این، بر بی تابی های زندانیان می افزود.

در این دوره گروههای مختلفی مثل چریکهای فدایی خلق، مجاهدین خلق، و ... در زندان بودند. صفرخان به همه مبارزین چه مذهبی و چه غیر مذهبی احترام می گذاشت و آنها نیز احترام زیادی برای صفرخان قائل بودند.

سرانجام در ۴ آبان سال ۱۳۵۷ پس از تحمل ۳۲ سال زندان، روی دوش مردم از زندان شاه همراه تعداد دیگری از زندانیان آزاد شد. محل سکونت صفرخان با هجوم بی سابقه مردم روبرو گردید. خانه اش میعادگاه دوستداران و همبندانش شد. مردم گروه گروه به آنجا می رفتند و با صفر خان دیدار می کردند.

علیرغم اینکه رژیم محدودیت های زیادی بوجود می آورد تا مردم نتوانند با صفرخان دیدار داشته باشند و حتی او را تهدید به زندان کردند. موفق نشدند.

صفرخان تا دم مرگ از موهبت مصاحبت و محبت مردم، بخصوص نسل جوان برخوردار بود. صفر خان پس از آزادی از زندان گفت:

ملت دارد مرا خیلی شرمنده میکند. من ایرانی هستم. مثل همه استقلال کشورم را میخواهم. مثل همه علیه ظلم می جنگم. به دانشجویان و کارگران و به ملت بگوئید متوجه عظمت رستاخیزشان باشند. برای من درک کلام زیبایی آزادی، هنوز امکان پذیر نیست. بعد از ۳۰ سال، این آزادی، غیر مترقبه است. من مدیون مردم هستم... من این آزادی را که به کوشش مردم به دست آمده، گرامی میدارم.

به یاد رفیق صفر قهرمانی....

یک روز پس از آزادی اش، روزنامه اطلاعات در گزارشی با عنوان «صفر قهرمانیان: ۳۰ سال محروم از آزادی» ضمن توصیف موقعیت صفر قهرمانیان در جامعه ای که پس از ۳۰ سال او را از بند، رهانیده بود، نوشت:

«در جمع زندانیان سیاسی که دیشب آزاد شدند چهره ای مشخص وجود داشت. چهره ای که گرد سالیان دراز زندان را بر چهره داشت با موهای سپید و حالی که حکایت از یک دگرگونی داشت. او می دانست که دارد پشت به ۳۰ سال زندان می کند. پشت به ۳۰ سال رفاقت با زندان و هم زنجیرهای دیگرش و رو به سویی داشت که هرچند پیوسته در آرزویش بود لکن برایش گنگ و ناآشنا و غریبه می نمود. او پشت به زندان می داشت و رو به آزادی، رو به شهر که اینک بعد از ۳۰ سال در زنجیر بودن، حق داشت که برایش بیگانه باشد. او با بچه های زندان خو گرفته بود، با زندان خو گرفته بود. بیش از یک ربع قرن بود که سیمای شهر را ندیده بود. گنگ و مات و مبهوت به گستره پیش چشمش نظر داشت، رفقا که هلهله کنان بدرقه اش می کردند و می گفتند این صفر است که می رود، این صفر است که درهای آزادی به رویش گشوده می شود. حالا صفر حق داشت که بپرسد، تهران چه شکلی شده است، این آپارتمانی که می گویند چه شکلی است؟ صفر از بند بند جاننش سخن می گفت.

۱۵ سال حبس در زندان برازجان به او آموخته بود که آزادی چه معنای وسیعی دارد و ۱۵ سال حبس در زندان های دیگر، در بندهای دیگر به او فهمانده بود که از زنجیر گسستن چه معنایی می یابد. سی سال از عمر زندان او می گذشت و حالا که از زنجیر بیرون می آمد دختر سی ساله اش در انتظارش بود. دختری که وقتی او را به زندان بردند هنوز چشم به جهان نگشوده بود، اما حالا صفر با دختر سی ساله اش رودررو ایستاده بودند. اینکه نمی شود، مگر ممکن است صفر یک دختر سی ساله داشته باشد و این چنین قد کشیده باشد، پدر را یک دیدار سیر ندیده باشد. حالا بعد از سی سال حبس صفر می دانست که با چه پشتوانه ای از زندان رها شده است. او با تکیه به نیروی لایزال ملت از زندان آزاد شده بود که خواهان آزادی اش شده بودند.

سرانجام صفر قهرمانیان (صفرخان) مظهر مقاومت مردم ایران علیه ستم و بیدادصبح روز شنبه ۱۸ آبان ۱۳۸۱ در سن ۸۱ سالگی در بیمارستان ایرانمهر به علت بیماری سرطان ریه درگذشت. پیکرش روی دوش هزاران تن زن و مرد و پیر جوان در امامزاده ظاهر کرج به خاک سپرده شد..

صفرخان عضو وفادار فرقه دمکرات آذربایجان، شرف پایداری مردم کشور ما در مقابل استبداد و بی عدالتی بود. یادش گرمی باد

### بهار عربی به رشد اقتصادی خاورمیانه ۶۰۰ میلیارد دلار ضرر زده!

این گزارش ادامه می دهد: اما تداوم خشونت و ناآرامی و جنگ در سوریه، یمن و لیبی، سازمان ملل را به این نتیجه رسانده که برخی کشورهای منطقه چشم انداز تیره ای دارند.

گزارش کمیسیون سازمان ملل حاکی از آن است که ناآرامی ها مشکل بدهی، بیکاری، فساد و فقر را تشدید کرده اند.

این تحلیل اقتصادی بر مبنای برآورد رشد اقتصادی منطقه پیش از سال ۲۰۱۱ و آغاز اعتراض ها، و مقایسه آنها با رشد فعلی این اقتصادها در سال ها انجام گرفته است.

در این تحلیل آمار تعداد کشته شدگان، معلولین، آوارگان و ویرانی های ناشی از جگ دیده نمی شود.

سازمان ملل برآورد کرده است که اعتراضات و تحولات سال های اخیر در خاورمیانه، مشهور به بهار عربی، به رشد اقتصادی این منطقه لطمه زده و کشورهای این منطقه ۶۱۴ میلیارد دلار ضرر کرده اند.

این اولین بار است که یک سازمان ملل چنین برآوردی انجام می دهد. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی در سازمان ملل می گوید در جریان این تحولات معادل شش درصد تولید ناخالص داخلی بالقوه منطقه بین سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، از دست رفته است.

دراعتراضاتی که تحت انقلابات رنگی سازماندهی شده بود و ظاهراً برای به زیر کشیدن "دیکتاتورها" و اهدای دمکراسی به مردم بود. منطقه خاورمیانه را با بحران فراگیر و جنگ ویرانگر و طولانی مدت روبرو کرد.

**گرامی باد خاطره تابناک شهدای جنبش ۲۱ آذر**

### توران میرهادی پیش‌کسوت ادبیات کودکان در ایران درگذشت



می‌شد. این مدرسه که تا سال ۱۳۵۹ فعالیت داشت و از آموزشگاه‌های تجربی در زمینه سیستم آموزشی و پرورشی مدرن به شمار می‌رفت، در تحولات پس از انقلاب اسلامی بسته شد.

توران میرهادی از سال ۱۳۵۸ تا پیش از مرگ، سرپرستی تدوین و تالیف "فرهنگنامه کودکان و نوجوانان" را بر عهده داشت؛ فرهنگنامه‌ای که به جلد پانزدهم رسیده و سه جلد دیگر نیز آماده انتشار دارد.

توران میرهادی را مادر "ادبیات کودک و نوجوان" در ایران خوانده‌اند. او در چند سال آخر عمر به دلیل کهولت و بیماری خانه‌نشین بود. از توران میرهادی چند جلد کتاب به یادگار مانده که "جستجو در راه‌ها و روش‌های تربیت" یکی از آنهاست.

دو بچه وله: کارشناس آموزش و پرورش نوین و از مبتکران طرح "فرهنگنامه کودکان و نوجوانان"، در سن ۸۹ سالگی و در پی عوارض سکته مغزی از دنیا رفت. او بنیانگذار مدرسه فرهاد و از پایه‌گذاران "شورای کتاب کودک" بود.

توران میرهادی عصر سه‌شنبه ۱۸ آبان، چند هفته پس از سکته مغزی، در بیمارستانی در تهران درگذشت. او سابقه‌ای ۶۰ ساله در آموزش و پرورش و فرهنگ و ادبیات کودکان داشت.

توران میرهادی در خانواده‌ای متجدد و تحصیل‌کرده از پدری مهندس و مادری نقاش و مجسمه‌ساز به دنیا آمد و رشته روانشناسی تربیتی و آموزش پیش از دبستان را در فرانسه آموخت. همسر اولش، سرگرد جعفر وکیلی، از جمله افسران سازمان نظامی حزب توده ایران بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد، در سال ۱۳۳۳ دستگیر و اعدام شد.

خانم میرهادی در سال ۱۳۳۴ با کمک همسر دومش، محسن خمارلو دبستان فرهاد را بنیان گذاشت که بعدها به یک مجتمع آموزشی گسترده تبدیل شد.

در این مدرسه روش‌های نوین آموزشی با نظر به آزادی و اختیار دانش‌آموز در پرورش استعدادهای فردی پیاده

### جنگ موصل، جنگی برای تسلط بر سوریه و عراق

سایت نویسندگان اردنی

مترجم: احمد مزارعی

داعش و ملیش‌های شیعه قرار ندهند که یکی را انتخاب کنند". از این نظر ارتش ترکیه از "بعثیقه" که ده سال است به اشغال خود درآورده، خارج نخواهد شد، ارتش ترکیه اردوگاهی در شمال عراق از دهسال پیش تأسیس نموده است، و ما در بیش از ده منطقه در عراق حضور داریم.

وزیر خارجه عربستان نیز کمتر از چاووش اوغلو "نگران" نبود، وی نیز پس از پایان جلسه وزرای خارجه کشورهای خلیج، اظهار داشت، اگر حشد الشعبی که طرفدار ایران هستند، درجنگ برای آزادی موصل شرکت کند شکی نخواهد بود که کشتارهای مذهبی در موصل به راه خواهد افتاد.

اما مگر "داعش" سنی مذهب نیست؟

بله، آنها سنی هستند اما از نوع سنی دینی و سیاسی که با عربستان اختلافاتی دارند. اما با ترکیه چطور؟ آنچنانکه تا کنون مشاهده شده داعش‌ها با ترکیه حنفی مطابقت بیشتری دارند و به همین دلیل ترکیه اجازه داد داعش و هزاران سلفی تند رو از مناطق آسیای میانه و از طریق

در لحظه ای که به آرامش مشغولی، خیال کن تهدیدهایی که مسئولان کشورهای عراق، عربستان، ترکیه و... ابراز می‌دارند درباره آزادی موصل نبوده بلکه برای آزادی فلسطین است. خیال کن ارتش‌ها، هواپیماها و موشک‌هایی که در زیر تسلط و اوامر این حاکمان است، همه با تمام توانائی به اسرائیل حمله کنند، تنها در یکشب دولت نتناهو اسرائیل و شهرکهای یهودی نشین از انظار پنهان خواهد شد و اثری از آنها باقی نخواهد ماند.

اما در همین حال که تو در خیال بسر میبری، بیکباره یک هواپیمای اسرائیلی در آسمان کشورت ظاهر میشود و ترا از خیال در می‌آورد، شما بیکباره متوجه میشوی که همه آن نیروها ئی که تو خیال کرده بودی برای آزادی فلسطین بسیج شده بودند، بر عکس شده و همه بعد از آزادی موصل به جان یکدیگر افتاده اند.

بیشترین کسانیکه از مسیر موصل بعد از آزادی وحشت دارند "عثمانیها" هستند، اردوخان آشکارا اعلام داشت که آنکارا " شیعی شدن شهر موصل را نخواهد پذیرفت". وزیر خارجه ترکیه چاووش اوغلو نیز از ریاض تأکید کرد: " ضروری است که مردم موصل را میان

## جنگ موصل، جنگی...

مرزهای خود وارد سوریه و عراق شده و به تخریب این دو کشور پردازند.

سؤال دیگر: شیعیان حشد شعبی چه کسانی هستند؟ این درست است که حشد الشعبی ائتلافی است که در غالب خود از تشکلات شیعی و کمی هم از تشکلات سنی درست شده است، اما آنچه که آنکارا و ریاض را خشمگین میکند نه شیعی بودن آنها بلکه نزدیکی سیاستهای حشد الشعبی با ایران است. (۲)

از توضیحات بالا روشن میگردد که جنگ و درگیری بر سرموصل نه مذهبی بلکه در درجه اول سیاسی میباشد. علت وحشت آنکارا و ریاض این است که آزادی موصل با شرکت گسترده حشد الشعبی باعث اختلال در معادله قدرت درون عراق شده و در نتیجه به نفع هم پیمانان ایران گردد، و مهمتر اینکه واشنگتن بیشتر از آنکارا و ریاض نگران آن است که آزادی موصل بوسیله حشد الشعبی موجب دو تغییر بسیار مهم گردد:

یکم - بهم خوردن تعادل قوای داخلی عراق در جهت مخالف مصالح آمریکا و هم پیمانانش

دوم - شکست برنامه آمریکا پس از آزادی موصل که در نظر دارد جنگجویان داعشی را از موصل به طرف دو استان رقه و دیر الزور فرار دهد و از آنها در جهت مبارزه با ارتش سوریه استفاده کند، صاحب نظران سیاسی و هم پیمانان منطقه ای و جهانی آنها در دمشق بر این باور متفق القولند که آمریکائیا در نظر دارند تا دو استان رقه و دیر الزور را که هم مرز با اردن، و ترکیه هستند، تبدیل به دولتی نموده تا بتوانند بوسیله این دولت سوریه را از عراق جدا کرده که در نتیجه هم عراق و ایران نیز از سوریه جدا خواهند شد.

اکنون روشن میشود که درگیری در مورد موصل، در واقع درگیری میان سه محور منطقه ای است: I - محور ترکیه و عربستان. ۲ - محور آمریکا - اسرائیل. ۳ - محور ایران - سوریه

محور آمریکا به طور طبیعی شامل اسرائیل نیز خواهد شد، میان آمریکا و تل ابیب بعضی اختلافات تاکتیکی وجود دارد اما اتحاد استراتژیکی میان آنها برقرار و بسیار محکم است و هدف نهائی هر دو تضعیف سوریه و عراق بوده تا بتوانند ابتدا آنها را تجزیه کرده و سپس آنها را تبدیل به جمهوریهای موز، بر اساس تفکرات مذهبی، قبیله ای و طایفه ای کنند که در آن صورت ایران نیز در منطقه تنها خواهد ماند و معلوم است چه خواهد شد.

محور ایران و سوریه، بطور طبیعی شامل همه سازمانها و احزاب مقاومت توده ای و عربی که مخالف اسرائیل و سازمانهای تروریستی هستند میگردد این محور در عین حال از پشتیبانی سیاسی و نظامی روسیه در بعضی از قضایا و مواضعی که اینها با یکدیگر منافع مشترک دارند نیز برخوردارند

محور ترکیه عربستان از حمایتهای کامل و گسترده آمریکا برخوردار است، آمریکا بویژه در درگیری میان ایران و عربستان در سطح کشورهای اسلامی نیز در کنار عربستان ایستاده است، آمریکا همچنین از عربستان در برابر ترکیه اطمینان و یا روسیه، در صورت بروز اختلاف مصالح با آنها، حمایت خواهد کرد.

علی العموم در مجموع درگیریهای موجود با طرفهای گوناگون و میدانها جنگی که جریان دارد، آمریکا دچار تزلزل و سرگردانی است، اما چرا؟

نزدیک شدن دوره ریاست جمهوری اباما به پایان خود، در نتیجه شروع مرحله انتقالی که اباما ترجیح میدهد دست به آنچنان اقدامات تندی نزند که موجب دردهای فراوان برای حزب دموکرات، تضعیف شخص هیلاری کلینتون و در نتیجه از دست دادن شانس انتخاباتی وی گردد. از این نظر آمریکا میکوشد درگیریهای منطقه را شعله ور نساخته و در جهت منجمد کردن درگیریها حرکت کند و آنها را برای چند ماهی به تأخیر بیندازد تا رئیس جمهور تازه انتخاب شده و پس از انتخاب معاونان و سروسامان دادن به اوضاع سیاسی در کاخ سفید، تصمیمات مناسب را در زمینه های مختلف، اتخاذ کند.

در مقابل دوحور ترکیه - عربستان، و سوریه - ایران، میکوشند تا از این فرصت ضعف مسئولان کاخ سفید برای تصمیم گیری استفاده کرده، و دستاوردهائی برای خود فراهم کنند که با انتخاب رئیس جمهور تازه آمریکا شاید برایشان مقدور نباشد.

در پایان باید گفت که درگیری با درجه بندی و حرارت وجود دارد، اما مستمر است و در حال اوج گیری است. ۲۶ مهر ۱۳۶۵

پایان ترجمه

توضیح مترجم: (۱) - رابطه میان ایران و عراق بسیار عمیق، تاریخی، سیاسی، و مذهبی است، صرف نظر از اینکه بسیاری ادباء و شعرا معروف عراق ایرانی الاصل بوده و آنها چه در گذشته و حال نقشهای برجسته ای در جنبشهای اجتماعی و سیاسی عراق داشته و از این نظر عراقیها بسیار به ایرانیها علاقمندند، برای مثال چند مورد در نقش ایرانیها در جنبشهای ضد استعماری و استقلال طلبانه ملت عراق آورده میشود.

در جریان جنبش ضد استعماری تنباکو، آیت الله میرزای شیرازی فتوای تحریم تنباکو را از سامرا در عراق صادر و بسیاری از روحانیون ایرانی در عراق در دفاع از فتوا تظاهرات کردند، این تظاهرات در عین حال اولین درس نوین ضد استعماری برای مردم عراق نیز بود که هنوز در زیر سلطه عثمانی بسر میبردند.

اساس مبارزه سیاسی ملت عراق از همین مرحله شکل گرفت، در ادامه این مبارزه بر علیه سلطه انگلیس ادامه یافت و این زمانی بود که انقلاب مشروطه ایران در ۱۹۰۵، پیروز شده بود، شوق آزادی در میان ملت

## جنگ موصل، جنگی...

وانقلابیون عراقی به احترام این شاعر انقلابی، وی را "ابوالمحسن" لقب دادند. آمریکا و مزدوران حقیرش نخواهند توانست بر این مبارزه ریشه دار که سراسر منطقه را فرا گرفته غلبه کنند، به خصوص ملت قهرمان ایران که اکنون در راس این مبارزه ضد استعماری بوده وسی سال همه مصائب را تحمل واز همه مهمتر اینکه تا امروز، یک دلار هم بدهی خارجی ندارد، به همراهی با کشور قدرتمند روسیه که آنهم به خاطر تاریخ درخشان و منافع مشترک با ایران وسایر ملتهای منطقه، امروز سر سخته در کنار مبارزه ملل منطقه قرار گرفته و آمریکا را در بن بست قرارداده است، همه باهم دست در دست این جنگ ضد استعماری را با سر بلندی به پایان خواهند، آنروز دیر نیست.

عراق اوج گرفت ودر سال ۱۹۲۰ انقلاب استقلال با کمک روحانیان ایرانی در عراق شروع وشهر نجف مرکز این انقلاب بود وهسته مرکزی آن روحانیت ایران بود که طعم شیرین پیروزی انقلاب مشروطه را چشیده بود، استعمار انگلیس با تمام قوا کوشید مقاومت مسلحانه مردم را در هم شکند، شهر نجف تحت شدیدترین تحریمها قرار گرفت، مردم سایر مناطق عراق از جمله فلوجه فعلی، به اشکال مختلف به محاصره شدگان آذوقه میرسایندند، سر انجام انقلاب پیروز واستعمار انگلیس در برابر انقلاب مردم تسلیم شد، در فردای پیروزی علمای شیعه وسنی در شهر فلوجه گردآمده ودست در دست استقلال عراق را اعلام نمودند، جد نوری مالکی نخست وزیر سابق عراق که از انقلابیون معروف وشاعر انقلاب بود عضو کابینه انقلابی ووزیر فرهنگ گردید، ملت عراق

## زیر پوست شهر

## زندگی با طعم فقر سهم کودکان حاشیه‌نشین تبریز!



از داشتن بسیاری از امکانات اولیه محروم‌اند. ترک تحصیل، اعتیاد و انواع آسیب‌های اجتماعی بر آینده کودکان این مناطق سایه افکنده است.

این کودکان از زندگی در این شرایط خشنود نیستند بلکه مجبورند! کودکانی که بچه شهر اولین‌ها هستند اما با تیریزی‌ها و بریز و بیاش‌های بسیاری از محلات بالای شهر تبریز فاصله زیادی دارند!

با کودکان دیجیتالی بالاشهری‌ها که این روزها عمرشان در فضای مجازی می‌گذرد از زمین تا آسمان فاصله دارند! کودکانی که بعضی از آنها بوی نان می‌دهند! و در همین دوران کودکی در کوچه پس کوچه‌های شهر با دست‌های کوچک پینه بسته نان آور خانواده‌هایی شدند که اکثر والدین‌شان در چنگال اعتیاد به دام افتاده‌اند!

کودکانی که از کودکی قناعت را یاد گرفته و تمرین می‌کنند! به داشته‌های ناچیزشان شکر می‌کنند! بسیاری از آنها مثل خیلی از کودکان آرزوی داشتن لباس‌های زیبا و گرم در این روزهای سرد پاییزی دارند اما هیچ وقت به زبان نمی‌آورند! زیرا از مشکلات مالی و وضعیت اسفناک خانواده‌هایشان با خبرند! با همین سن کودکی می‌سوزند و می‌سازند!

کودکانی که به خاطر مشکلات مالی از رفتن به مدرسه هم باز مانده‌اند! بسیاری از این کودکان با غیرت‌های کودکانه خود،

گسترش حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه از روستاها، ناکافی بودن طرح‌ها و اقدامات دولتی و مشارکت محدود تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در حوزه آسیب‌های اجتماعی از مهمترین مولدهای ناهنجاری‌های اجتماعی در کلانشهرها است.

عصر تبریز: گسترش حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه از روستاها، ناکافی بودن طرح‌ها و اقدامات دولتی و مشارکت محدود تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در حوزه آسیب‌های اجتماعی از مهمترین مولدهای ناهنجاری‌های اجتماعی در کلانشهرها است.

کلانشهر تبریز یا بنا به ادعای مدیران شهری، جهان‌شهر تبریز! نیز از این قاعده مستثنی نبوده و افزایش روزافزون جمعیت و گسترش جغرافیایی تبریز در کنار عدم توازن توسعه شهری باعث شده نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین به‌صورت کاملاً نامناسب، در خانه‌هایی غیرایمن در این کلانشهر زندگی کنند.

ساکنان حاشیه‌نشین‌ها در تبریز جای دوری نیستند، همین جا در چند قدمی ما خانه و کاشانه دارند، البته نه خانه‌های گرانی و مرمی! بلکه خانه‌های آجری و بعضاً گلی، کوچک و محقر! که در دامنه کوه‌های سر به فلک کشیده عینالی نزدیک گسل‌های تبریز بنا شده‌اند!

خانه‌هایی که اگر گردشگران خارجی در آستانه تبریز ۲۰۱۸ از بالای اتوبان پاسداران! نظاره‌گر شهر تبریز باشند بهترین ظرفیت برای جذب گردشگر و توریست‌های خارجی می‌تواند باشد!

خانه‌هایی که بعضی از آنها آشپزخانه، حمام و توالت مشترک دارند! خانه‌هایی که هر لحظه امکان دارد سقف

هایش با تمام دردها و خاطرات غم انگیز زندگی، آواری بر سر ساکنانش شوند!

حاشیه‌نشین‌هایی که همواره در حاشیه بوده‌اند و حاشیه نشینی جرم آنها شده است! و به همین دلیل سال‌های متمادی است که

## زیرپوست شهر...

دوشادوش بزرگترها، از همین کودکی در کوچه‌ها و معابر شهر کار می‌کنند!

بچه‌هایی که به آنها کودکان کار می‌گویند، از گل فروشی گرفته تا پاک کردن شیشه‌های ماشین‌های شاسی بلندی که قدشان به شیشه‌های آنها هم نمی‌رسد! کودکانی که با شکم‌های خالی و گرسنه وزن سیری مردمانی را وزن می‌کنند که هیچ توجهی به آنان نداشته و بی اعتنا از کنارشان رد می‌شوند!

امروز سهم کودکان، نوجوانان و جوانان حاشیه‌نشین چیزی نیست جز زندگی با طعم فقر! شاید خیلی‌ها معتقد باشند که گفتن این وقایع چه دردی دوا می‌کند؟! آنها که باید بدانند، می‌دانند! و یا به عبارتی بیدار کردن کسی که

خود را به خواب زده! با بیدار کردن کسی که خوابیده متفاوت است!

زندگی زیر پوست شهری حاشیه‌نشینان گفتنی‌های زیادی دارد! تا زمانی که با آنها هم صحبت و هم نشین نشوی، نمی‌توانی درکشان کنی! مدیران شهری نباید اجازه تشکیل این مناطق را می‌دادند، حال که این مناطق شکل گرفته، باید همه برای

توانمندسازی آن تلاش کنند.

در اکثر موارد نهادهای ذیربط به انکار این مناطق می‌پردازند! و یا با برجسته کردن عناوین پیشینیان شهر که داشته‌های فعلی ما نیست بلکه عناوینی است که در گذر زمان کسب شده و اکنون سرابی بیش نیست!

این مناطق را در حاشیه اخبار شهر قرار می‌دهند، در نتیجه آتش زیر خاکستر در این مناطق شکل گرفته و به محلی امن برای بزه و جرم تبدیل می‌شوند! که این موضوع هم امنیت مناطق حاشیه‌نشین و هم امنیت کل شهر را تهدید می‌کند!

عدم استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم نهاد برای حل معضلات فرهنگی و اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی همواره مورد غفلت مسئولان قرار گرفته است.

اگر امروزه مشاهده می‌کنیم بسیاری از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته توانسته‌اند بر معضلاتی نظیر حاشیه‌نشینی غلبه کنند به دلیل استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل مشارکتی عموم مردم و توجه به نقش اصلی و مهم مردم و بالا بردن مسئولیت‌پذیری ایشان در حل معضلات فرهنگی و اجتماعی است

## کندیمیز

تیکانلی سرحدین الیندن توتان،

آلا تورپاقلیقدا قالان کندیمیز  
سرحد سرحد مقبیللرین دردندن، آغریدان،  
تار کیمی، ساز کیمی چالان کندیمیز

سن انله نیسکیلی اوره ک کیمیسن،  
چالینان یانیقلی توتک کیمیسن.  
گونه شه بویلانان چیچک کیمیسن،  
حسرتله قورویوب سولان کندیمیز

بولودلار اوستونه ساغیلدی گندی،  
گونلرین، آیلارین ناغیللی گندی.  
خیر، برکتین داغیلدی گندی،  
ایتیره، ایتیره تالان کندیمیز.

فکرین دومانیندا بزن آزیرام،  
یازماق ایسته ینده، سندن یازسرام.  
سنمی دوزوملوسن، منمی دوزورم،  
منلی ده، منسیز ده اولان کندیمیز

## آزادلیق چیراقلاری

سوسوب قارا تورپاق آسیمان کیمی،  
باکه بو دردلری اونوتسون بیر آن  
قوللاری قاندالیی بیر انسان کیمی،  
قوی منی دینله سین تورپاق، آسیمان.

تورپاق، قارا تورپاق وطنسن- وطن  
ستارخان قالیبین اونو وار سنده .  
سنه وطن دئدیم، دیوشن وطن،  
حیدر عمی اوغولار گزیب سیننده.

ارانی زنداندان زندانا دوشدو،  
یننه پوزولمالی آمالی - آندی.  
یگانی سویله دی حیات دیوشدور،  
او، سون نفسده ده مغزور داپاندی.

وطن تورپاغیندا بو داغلار، داشلار،  
بیزیم ایگیدلرین یارپاقلاریدیر.  
دئیردیم بو ئولمز، شهیدلر کی، وار،  
آزادلیق یولونون چیراقلاریدیر.



تارینل امید  
ایرانی مهاجرلر ادبی  
بیرلییین صدری